

بداد هم برسیم | در خیابان‌های تهران چه خبر است؟

بنیاد تحول اجتماعی، سه سال، کارتن‌خواب ترمینال جنوب و باغ آذری و دروازه غار بودم. از آخر پاییز می‌رفتم سمت ترمینال جنوب که ساختمون و سقف و دیوار بود و جلوی تندی سرما رو می‌گرفت چون توی باغ آذری نمی‌تونستی دووم بیاری؛ دورش باز بود و پر از درخت و باد و سوز دورت می‌پیچید. می‌رفتم طبقه بالای ساختمون ترمینال، اونجا تا نیمه شب پناه می‌گرفتم. ساعت 12 شب، در ترمینال رو می‌بستن و منو بیرون می‌کردن و باید می‌رفتم توی خیابون تا صبح. یکی از شبای سرد زمستون، مواد کشیده بودم و بدنم هنوز گرم بود. حواسم نبود که توی این هوای سرد، بعد از سه، چهار ساعت که توی سرما یمونی، خون توی بدن می‌ماسه. نزدیک 4 صبح بود که حس کردم دارم از سرما بی‌هوش میشم. رفتم سراغ سطل آشغالایی که توی محوطه باربری کاوه؛ نزدیک ترمینال جنوب بود. دنبال چیزی می‌گشتم که خودم رو بپوشونم. یک کاور پلاستیکی پتو پیدا کردم. اون کاور پلاستیکی برای من حکم اتاق گرم یک هتل رو داشت.....

یک شبی، بعد از 4 شب بی‌خوابی، از ترمینال بیرون اومدم و یادم افتاد که هیچ سرپناهی ندارم و باید این سرما رو تحمل کنم. گرسنه بودم، تشنه بودم، خمار بودم، بی‌پول بودم. پیاده رفتم سمت پارک بعثت. به ورودی پارک که رسیدم، دیگه چیزی یادم نبود. سرما حواسم رو برده بود. نشستم کنار جدول خیابون. سرم رو گذاشتم لیه جدول و توی همون سرما، بی‌هوش شدم از گرسنگی و خماری. سرما رو حس می‌کردم ولی هیچ قدرتی برای بلند شدن نداشتم. نزدیک صبح، سرما به اوج رسیده بود. توی همون بی‌هوشی، حس کردم چیزی روی تنم انداخته شد. احساس گرما کردم. انقدر بی‌حس بودم که هنوز توان باز کردن چشمم رو نداشتم. در همون حال نیمه بی‌هوشی، بوی پتو رو فهمیدم. بوی پتوی سربازی رو فهمیدم. چشمم رو باز کردم. دیدم دو تا پتوی سربازی روی تنم انداخته شده. دور و برم رو نگاه کردم. هیچ کسی نبود. اون موقع پامو زیر پتو دراز کردم. با گرما خوابم برد. بعد از 7 سال، هنوز وقتی توی خونه، توی سرما پامو زیر پتو دراز می‌کنم، یاد اون شب و اون حس می‌افتم.....

اینها حرف‌های امیر است. امیر، 3 سال از سال‌های پایانی اعتیادش، کارتن‌خواب بود. کارش به قمیر و کوره‌خوابی نکشید اما خاطرات تلخی از زمستان‌های بی‌خانمانی‌اش داشت. امیر، پیش از آنکه گرفتار بند مواد شود، طلا‌ساز بود. دیروز روزهای پاک‌اش در جمع بچه‌های «طلوع بی‌نشان‌ها» را شمرد: «8 سال و 4 ماه و 17 روز» امیر امروز صاحب یک مغازه میوه‌فروشی نزدیک همان خیابانی است که بارها کنج خرابه‌هایش، به سیاهی شب چشم دوخت تا سپیدی صبح برسد.....

کوروش گرامی؛ مدیر مرکز کاهش آسیب اعتیاد در شمال پایتخت، از 15 سال قبل تا امروز، تابستان و زمستان، پاییز و بهار، در جوار وسیع‌ترین پاتوق مصرف مواد پایتخت؛ دره فرحزاد، به صدها معتاد بی‌خانمان مستاصل غذای گرم و لباس و سرنگ و چای داده و می‌گوید امروز بچه‌هایی هستند که 15 سال است که ساکن دره هستند و 15 سال است که معتادند و 15 سال است که به مرکز کاهش آسیب کوروش می‌آیند و پا به پای شب و روزهای سیاه دره‌ای که قباله اقبالش با قصه مرگ و فراموشی و گم‌شدگی بسته شده، پیر شده‌اند و به خط پایان، نزدیک‌تر. سه ساعت بعدازظهر دیروز که کوروش گرامی درباره وضعیت مراجعات معتادان بی‌خانمان ساکن دره برایم تعریف می‌کرد، بارش برف ادامه داشت و دمای منطقه به دو درجه زیر صفر رسیده بود.

در این هوای سرد و به خصوص در مناطقی مثل دره فرحزاد یا بیابان‌های اطراف تهران که به دلیل باز بودن اطراف منطقه، سوز و سرمای مشابه مناطق شمالی شهر دارند، می‌تواند آنها را در معرض سه خطر جدی قرار دهد؛ یخ‌زدگی به دلیل بی‌سرپناهی در برف و سرمای خیابان، افزایش تزریق مواد و اوردوز بر اثر مصرف بالا، شیوع دوباره اچ‌آی‌وی و هپاتیت C بین مصرف‌کنندگان تزریقی مواد

«10 ساعته (از 5 بامداد تا 3 بعدازظهر) که بارش برف ادامه داره. الان اینجا ارتفاع برف به حدود 50 سانت رسیده و دمای هوا داخل دره که سردتره، 5 درجه زیر صفره. دره فرحزاد بابت سرمای هوا بدترین نقطه تهرانه. وقتی در باقی مناطق شهر، بارون می‌باره، اینجا برف به سر کارتن‌خوابا می‌ریزه. بچه‌های دره، وقتی پیش ما میان

که از برف و بارون خیس شدن، لباسشون گلی شده، سردشونه یا گرسنه هستن. وقتی توی دره برف می‌باره و دمای هوا به زیر صفر می‌رسه، آدم عادی هم نمی‌تونه بیشتر از دو ساعت دوام بیاره. این بچه‌ها، در بهترین حالت و اگه موادشون رو هم کشیده باشن، وقتی دو ساعت زیر برف و در هوای زیر صفر بمونن، بدنشون خالی می‌کنه و هر چی کشیده بودن، بی‌اثر میشه و چون همه‌شون هم سوءتغذیه شدید دارن، اون موقع است که اگر کمکی بهشون نرسه و سرپناهی نداشته باشن و به مکان گرمی منتقل نشن، یخ می‌زنن. البته چند ماهه که تعداد کارتن‌خوابی جنوب دره کم شده چون از تابستون امسال، نیروی انتظامی داخل دره مستقر شده و کارتن‌خوابا به شمال دره و مناطق دورتر از دسترس رفتن. در این چند هفته که بارندگی در کل دره ادامه داشته، گشت سیار ما سراغ کارتن‌خوابی شمال دره رفته که بهشون خبر بده ما در این ایام پذیرش شبانه‌روزی داریم و هر موقع خواستن، می‌تونن بیان و هم داخل مرکز استراحت کنن و هم غذا و لباس گرم بگیرن و امکان استحمام و درمان رایگان بیماری‌های عفونی شون هم با اعزام به بیمارستان امام فراهم شده. خوشبختانه تا امروز و با وجود اینکه امسال سرمای هوا خیلی خیلی شدیدتر بود، فوت به علت یخ‌زدگی نداشتیم و هر شب تعداد زیادی از بچه‌های دره به مرکز میان. برای پذیرش همه‌شون جا داریم و به همه‌شون پتو و لباس و غذای گرم می‌دیم. این چند شب، برای بچه‌های داخل دره؛ اون بچه‌هایی که نمی‌خواستن از پاتوقشون بیرون بیان یا اونایی که نقاط دورتر بودن و توان اومدن به مرکز نداشتن هم پتو و لباس گرم بردیم، 80 دست شال گردن و کلاه بافتنی نو و 50 شلوار پشمی بین‌شون توزیع کردیم که کمتر سردشون بشه. آسمون دره کمی باز بشه، براشون زغال می‌برم که مثل پارسال، توی پیت حلی آتش روشن کنن....»

گرامی می‌گوید که در این چند هفته که سرمای هوای دره فرحزاد، رکورد چند ساله‌اش را شکست، تزریق هرویین بین بچه‌های دره بیشتر شده چون شیشه و هرویین، قدرت نگهدارندگی بالاتری در مقایسه با سایر روانگردان‌ها یا مخدرهای سبک دارد علاوه بر اینکه وزش باد و توفان و بارش برف و باران هم عامل دیگری برای تصمیم به تزریق به جای تدخین است، چون وزش باد و توفان، باعث پخش و پراکنده شدن هرویین از روی کفی می‌شود و بارش برف و باران هم هرویین و کفی را خیس و نم‌دار و غیر قابل مصرف می‌کند. غیر از اینها، عامل مهم‌تری که در نیمه دوم امسال باعث افزایش تزریق دوا بین بچه‌های دره شده، گرانی سرسام‌آور قیمت خرده‌فروشی هرویین و شیشه در پاتوق‌های دره بوده؛ دوا؛ گرمی 200 تا 250 هزار تومان، شیشه، گرمی 200 هزار تومان. از آنجا که اغلب بچه‌های ساکن دره، چند مصرفی و مصرف همزمان شیشه و هرویین دارن، روزی 400 هزار تومان هزینه مواد برای معتاد کارتن‌خوابی که جز جمع کردن ضایعات و گدایی و فروختن فال و دود کردن اسفند سر چهارراه‌ها، هیچ امکان دیگری برای تامین هزینه مواد ندارد، گزینه آخر را همان اول پیش پای کارتن‌خواب‌های دره گذاشته و بچه‌ها به انتخاب اقتصادی‌ترین روش مصرف ناچار شده‌اند. گرامی همه اینها را می‌داند و می‌شنود و می‌بیند و هر طور شده، هزینه تهیه یک وعده غذای هفتگی با گوشت قرمز، گوشت مرغ، برنج یا ماکارونی را جور می‌کند تا این بچه‌ها که با این تورم بازار عرضه مواد، دیگر توانی برای اعتیاد کم خطر ندارند، حداقل از فقر کالری جان ندهند.

کارتن‌خواب‌ها چطوری یخ می‌زنند؟

سید صادق شیرازی، پزشک عمومی و درمانگر اعتیاد است. می‌گوید که کارتن‌خواب‌ها فقط در یک صورت در معرض خطر یخ زدن هستند؛ نشئه یا خمار باشند و تنها باشند و در سرمای زمستان، به خواب نشنگی یا بی‌هوشی خماری بروند.

«احتمال یخ زدن معتادان بی‌خانمان در فصل زمستان و در هوای سرد معمولاً کم است، چون در هوای سرد، موقع مصرف مواد پای آتش و دور هم می‌نشینند و حواس‌شان هم متوجه احوال همدیگر هست و در این شرایط به ندرت ممکن است دچار سرمازدگی و مرگ بر اثر یخ‌زدگی بشوند. یخ‌زدگی و مرگ بر اثر سرما موقعی اتفاق می‌افتد که کارتن‌خواب تنها باشد و چه در زمان خماری یا بعد از مصرف و در زمان نشنگی، بی‌حواس شود و در یک خواب عمیق ناشی از خماری یا نشنگی فوت کند. یخ‌زدگی، بر اثر سرمازدگی اندام‌ها و زمانی که درجه بدن انسان از دمای محیط پایین‌تر بیاید، اتفاق می‌افتد. ارگان‌های بدن در یک دمای معمول عملکرد دارند اما وقتی دمای بدن کاهش پیدا می‌کند، عملکرد ارگان‌ها مختل می‌شود و در واقع فرد بر اثر نارسایی ارگان‌ها فوت می‌کند. مشکلی که امروز با آن مواجهیم، کاهش اعتماد کارتن‌خواب‌ها برای مراجعه به سرپناه‌های شبانه و گرمخانه‌ها به دلیل موارد متعدد بازداشت و دستگیری معتادان خیابانی از این مکان‌ها برای انتقال به اردوگاه درمان اجباری است. کاهش اعتماد معتادان بی‌خانمان از مراجعه به مراکز حمایتی، به خصوص از حدود سه ماه قبل که قیمت هر گرم هرویین به بالای 250 هزار تومان رسید.

نویسنده : admin، تاریخ ارسال : یکشنبه 7 اسفند 1401 ساعت 3:32 بعد از ظهر